

گفتگو با دکتر مجید اسدی، رئیس شورای عالی ترجمه

زهرا جلالزاده^۱

در تیر ماه ۱۳۸۶ شورایی به نام شورای عالی ترجمه، وابسته به خانه کتاب، شکل گرفت. با این هدف که به اوضاع ترجمه سروسامانی داده شود. در این گفتگو با دکتر مجید اسدی، رئیس شورای عالی ترجمه، سعی شده فعالیت‌ها، رویکردها، و برنامه‌های این شورای تازه تأسیس و بانیان آن به جامعه ترجمه معرفی گردد. همچنین پاره‌ای از مشکلات و نظرات جامعه ترجمه به اطلاع این شورا که در آغاز راه است برسد. خلاصه سوابق علمی و کاری دکتر مجید اسدی در پایان گفتگو آمده است.

جناب آقای دکتر اسدی، ممکن است درباره انگیزه یا نیاز اولیه‌ای که سبب تأسیس شورای ترجمه شد صحبت بفرمایید.

لازم است در ابتدا از شما و آقای دکتر خزاعی‌فر تشکر کنم و برای کاری که در فصل‌نامه مترجم انجام می‌دهید تبریک بگویم. حقیقتاً خوشحالم که می‌بینم به طور آکادمیک و به شکل قابل قبولی در کشور فعالیت‌هایی در خصوص ترجمه انجام می‌شود. اجازه بدهید در ابتدا به طور خلاصه بگویم چگونه شد که شخصاً درگیر ترجمه شدم و نه مترجمی. و بیش از خود ترجمه، درگیر دغدغه‌ها و مشکلات ترجمه بوده‌ام. حدوداً ۱۰ سال پیش برای تحصیل به امریکا رفتم. به دلیل علایق و دغدغه‌های شخصی‌ام نسبت به ایران و مسائل اسلامی و تا حدی هم موج رسانه‌ای مباحث مربوط به ایران و اسلام و گاه مسائل سیاسی درباره ایران و امریکا، درگیر ترجمه بعضی متون علمی و فرهنگی شدم، به خصوص فعالیت‌هایی که در حوزه ادیان می‌شد. از آنجا که رشته تحصیلی‌ام هم مطالعات اسلامی بود، در گروه‌هایی که داشتیم بحث‌های بین ادیان (interfaith dialogues) انجام می‌شد. از طرفی هم بحث‌های درون‌دینی و بین شیعه و سنی و باز هم به طور مشخص‌تر بحث‌های فکری پیرامون کلام جدید و مباحث اعتقادی شیعه مطرح می‌شد که روشنفکران داخلی هم درباره آن بحث می‌کنند. در این مجامع

۱- از راهنمایی‌های استاد علی صلح‌جو سپاسگزارم.

طبیعتاً بحث ایران، تاریخ تمدن ایران، عرفان ما، شعرای ما، ادبیات ما، ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی، و انقلاب اسلامی هم مطرح بود. همه بحث‌ها به اینجا ختم می‌شد که از ما منابع مستند و قابل اطمینان از حیث ترجمه می‌خواستند و از همین‌جا مشکلات ما آغاز می‌شد. همین‌جا پُرانتز بازمی‌کنم که مباحث "قابل اطمینان بودن ترجمه" در داخل ایران هم مطرح است و به نحوی مشکلات ترجمه و خلأهایی که در خارج با آن مواجه بودیم در داخل ایران هم مطرح است. جالب اینجاست که اگر بخواهیم این مباحث مربوط به مشکلات ترجمه و ارائه ترجمه‌های ضعیف را در درون کشور بررسی کنیم حساسیت‌های زیادی را به وجود می‌آورد، ولی درباره مشکلات ترجمه و ارائه ترجمه‌های ضعیف در خارج از کشور راحت‌تر می‌شود صحبت کرد. با یک تطبیق کوچک می‌بینیم همان نکات در خصوص مشکلات ترجمه در داخل کشور هم صادق است. در خیلی از ترجمه‌ها، مترجم آگاهانه یا ناآگاهانه بانی انتقال فرهنگ و تمدن یک کشور به کشور دیگر است؛ البته حساسیت ما نسبت به انتقال صحیح فرهنگ و تمدن ایران مضاعف است و اگر دقایق و ظرایف ترجمه نیز به این حساسیت افزوده شود اهمیت ترجمه صحیح بیش از پیش مشخص می‌شود.

نیازسنجی و مخاطب‌شناسی یکی از مشکلات اساسی ما بود و در داخل ایران نیز همین‌طور است. مذاهب مختلف بودند، افراد مختلف و تفکرات مختلف که حساسیت‌های مختلفی داشتند، مقاطع زمانی هم مختلف بود. به طور مشخص وقتی بحث معرفی مولوی و عرفان پیش می‌آمد — البته آن تصویری که خودشان از عرفان دارند — گاه برای مخاطب عام بود، و گاه برای قشر تحصیل کرده و نخبه و اهل تحقیق، و گاه برای سنین پایین. کاری که در غرب به طور مشخص انجام می‌دهند این است که موضوعات و حتی اسطوره‌های تخیلی‌شان را برای مقاطع سنی مختلف با شیوه‌های متفاوت و جذاب برای آن گروه سنی و اجتماعی بیان می‌کنند. البته شاید این بحث در آن چارچوبی که مورد نظر شماست نباشد، اما مشخص می‌کند که مشکلات ما در عین حال چیست. در غرب موضوع را خرد و تقسیم‌بندی می‌کنند و بعد روی آن کار می‌کنند. اما ما وقتی می‌خواهیم مولوی خودمان و عرفان خودمان را معرفی کنیم، با یک سبک و سیاق و برای همه سنین و طبقات اجتماعی معرفی می‌کنیم که الی ماشاءالله درگیری و مشکلات هم داریم.

در مورد مولانا بد نیست این را هم عرض کنم که الان چیزی که به عنوان عرفان، عرفان



اسلامی، یا عرفان رومی در امریکا و یا غرب مطرح است، روح مولانا هم از آن بی‌خبر است. ترجمه‌هایی که از اشعار مولانا شده از خطاهای فاحش صددرصد گرفته تا ظرایف ترجمه را که شما می‌دانید در ترجمه باید ملاحظه شود در خود دارد. انتقال دقیق مفاهیم مشکلی است که الان در داخل داریم و از مباحثی است که می‌بینیم مطرح می‌شود و از دغدغه‌های مترجمان داخلی هم هست. ولی چیزی که به طور شدیدتر در خارج از کشور مطرح است این است

که بار ارزشی و معنایی و احساسی ترجمه مفقود شده است. یعنی متن در یک دوره تاریخی، و یا مربوط به یک جای خاص است و یا از دید یک صاحب‌نظر و اندیشمند مطرح است، ولی وقتی مترجم (به طور مشخص مترجم خارجی مورد نظر من است) می‌خواهد آن را انتقال دهد، چون کسی در کنارش نبوده که آن پشتوانه و زمینه علمی را داشته باشد به خطا می‌رود. البته نمی‌خواهم بگویم تمامی مشکلات به مترجم برمی‌گردد، چون ما باید از مترجمان چه در داخل و چه در خارج ممنون باشیم که این کار را با همه مشکلاتی که دارد انجام می‌دهند، اما از آن طرف هم باید انصاف هم به خرج دهیم که هدف مترجم باید آن باشد که ارتباط و انتقال معنایی و ارتباطی و آن کد فرهنگی را به درستی برگرداند. به طور مشخص‌تر، در آن مراکز وقتی بر روی متن ترجمه شده بحث می‌کردیم من احساس می‌کردم کلمات دارد بیان می‌شود، و ظاهراً ترجمه شکل گرفته ولی ارتباطی برقرار نشده و خواننده متن ترجمه ناتوان از تصور مفهوم گزاره‌ها، نمی‌تواند ارتباطی را که باید از ورای ترجمه با متن داشته باشد برقرار کند. مثلاً مفهوم خدا، یا مفهوم مادر در امریکا و عموماً در غرب اگر در مباحث فلسفی باشد یک بار معنایی دارد، اگر در حوزه شعر و ادبیات باشد یک معنا دارد و اگر در محاورات روزمره باشد یک معنای دیگر. و مترجمی که می‌خواهد

خدای رومی یا عرفان اسلامی و خدای ملاصدرا و خدای اسلام و اهل بیت و تشیع را معرفی کند باید معنای خدایی را که در مفهوم روزمره و حتی آکادمیک در دانشگاه‌های غرب متداول است و استفاده می‌شود به خوبی بشناسد و بعد ترجمه کند. یعنی مترجم ما با تیزهوشی خودش و شناختی که از نبض فرهنگی و فکری آن جامعه دارد، چه برای ترجمه داخل خودمان و چه آنجا باید این‌ها را ملاحظه کند. یقیناً می‌داند همه ما می‌خواهیم آثار مولانا، حافظ، و اندیشمندان و بزرگان علمی و ادبی ما به بهترین وجه ترجمه شود و یا زیر نظر اهل فن ترجمه شود تا فرهنگ، تمدن، دین و مذهب ما به بهترین نحو ممکن از طریق ترجمه معرفی گردد. و اگر دیگران هم چنین توقعی از ما داشته باشند البته توقع بی‌جایی نخواهد بود.

شخصاً، بنا به نیاز، بیشتر از فارسی به انگلیسی ترجمه می‌کردم. بسیاری از ترجمه‌های انگلیسی به بازنگری و ترجمه مجدد نیاز دارد. به‌عنوان مثال جایی در اشعار مولانا دیدم که مولانا گفته "وصل منم. فصل منم" مترجم فصل را "season" ترجمه کرده است. از این موارد الی ماشاءالله هست. به‌خصوص اگر برویم به سراغ بار معنایی کلمات، جملات، و ایده‌ها می‌بینیم یک ایده جدید که نسبت چندانی هم با مؤلف و صاحب اثر ندارد دارد به او منتسب می‌شود.

بنابراین، فکر می‌کنم الان در مقایسه با دهه‌های گذشته حساسیت‌های بیشتری نسبت به ترجمه هست. در واقع قشر تحصیل کرده زیادی داریم که اگر مترجم نیستند به نحوی می‌توانند ترجمه‌ها را تشخیص بدهند. شاید من مترجم عربی، انگلیسی، و فرانسه در زبان مبدأ و مقصد نباشم، اما برای اینکه سفری داشتم، تحصیلاتی داشتم، و خواننده حرفه‌ای بوده‌ام، اگر متن ترجمه شده‌ای را ببینم متوجه می‌شوم که این ترجمه ترجمه مطلوب و آن توقعی که امروز از ترجمه داریم نیست. این توقع منطقی چیز خوبی است و با توجه به امکانات و تحولات تکنولوژیکی، این دغدغه و توقعی بجاست و موجب می‌شود که ترجمه را در کلیتش در داخل کشور سامان دهیم و ارتقا ببخشیم. و به اینجا برسیم که مخاطبی که دارد از اثر ترجمه شده استفاده می‌کند یک اطمینان نسبی داشته باشد که ترجمه قابل قبول است. به طوری که اگر مؤلف اثر بتواند متن ترجمه را بخواند با تفاوت فاحشی مواجه نشود، بلکه برگردد به حوزه شخصی خودش و اینکه خودش ترجیح می‌داده ترجمه در آن فضا قرار گیرد. بنابراین ما نیاز داریم آن ساماندهی، نظام‌دهی، و در واقع ارتقا در حوزه ترجمه را دنبال کنیم.

از یک جنبه دیگر هم خدمتتان عرض کنم که آن دغدغه‌های ترجمه چیزی نیست که یک‌دفعه ظهور کرده باشد. گذشته را که نگاه کنیم می‌بینیم تاریخ جهانی داریم. ایران بوده و امپراتوری ایران و این‌ها در خارج خیلی مطرح است و قابل افتخار هم هست. از تاریخ و تمدن ایران باید دفاع کنیم و تلاش کنیم به بهترین وجه معرفی‌اش کنیم. در کنارش یک دین جهانی داریم، یعنی اسلام و مذهب تشیع و اهل بیت و ایده‌های جهان‌شمولی که در این مذهب هست و ما هم با آغوش باز پذیرفته‌ایم و از آن دفاع هم می‌کنیم. این دفاع بجا هم هست و باید هم عرضه شود. در زمان حاضر هم جایگاه جهانی داریم و هم ایده جهانی. انقلاب اسلامی یا انقلاب اسلامی ایران که با پشتوانه تاریخی و دینی خود حاوی پیام جهانی است. این مسئولیت ما را به مراتب سنگین‌تر می‌کند. جایگاه جهانی ایران قابل انکار نیست. نقش ایران در معادلات سیاسی و فرهنگی موجود در دنیا قابل انکار نیست. از طرفی ایده جهانی‌ای که ایرانی‌ها پیدا کرده‌اند و دارند و بجا هم هست. از طرف دیگر برنامه‌ای برای ۲۰ سال آینده کشور داریم. هنوز نیازمند آنیم که به این مسیر هدایت شویم که این مبادله فرهنگی و تمدنی که در حال تکوین است و تدریجی هم هست خیلی آگاهانه‌تر و با دقت بیشتر و حساسیت بیشتر به دنبالش باشیم تا مبادله فرهنگی در حوزه ترجمه به بهترین وجه انجام گردد. این مطالب به عنوان مقدمه خیلی از مباحث را درباره ضرورت بازنگری نسبت به جایگاه ترجمه و درباره انگیزه یا نیاز اولیه‌ای که سبب تأسیس شورای عالی ترجمه شد مشخص می‌کند.

منظورتان این است که شورای ترجمه در وهله اول ترجمه متون فارسی به زبان‌های خارجی را در دستور کار خود دارد؟

ممکن است توضیحی که دادم اشتباه‌آفرین باشد.

این انتقادی است که از شورای عالی ترجمه شده و مترجمان معتقدند میان این شورا و مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور تمایزی وجود ندارد.

ببینید شورای عالی ترجمه به طور مستقیم و از آغاز شروع کار به دنبال ترجمه کردن نیست. فکر می‌کنم از همین جا آن شبهه برطرف شود. ترجمه دارد اتفاق می‌افتد، چه در حوزه داخلی

کشور و چه بیرون از آن. و حوزه ترجمه و مترجمان یک سری نیازهایی دارند. از ابتدا تا انتها، از عناوین گرفته تا مشکلات نشر، توزیع، فنی، ویرایش، و الی آخر. ما نمی‌خواهیم به طور مستقیم درگیر و یا متولی ترجمه یا بنگاه ترجمه باشیم. ما به موازات جریان ترجمه می‌خواهیم از وضعیت ترجمه حمایت کنیم. و این ترجمه در آغاز در حوزه ترجمه کتاب است. اما باز هم محدود نیست. شاید اگر بخواهیم وارد جزئیات شویم ادامه پیدا کند. تصویری که از ترجمه هست، آن است که در روند ترجمه مشکلاتی هم در داخل و هم در خارج وجود دارد. حتی یکی از دوستان می‌گفت ترجمه‌های هم‌زمان و ترجمه‌های شفاهی هم برای خودش مهم است و باید پیگیری شود. شورای عالی ترجمه در واقع به موازات روند ترجمه سعی دارد نظام‌مندی، ساماندهی، و ارتقا را در حوزه ترجمه فراهم کند. از این بابت ابتدا شورای عالی ترجمه به عنوان یک بنگاه ترجمه به سمت ترجمه نمی‌رود. این طور نیست که اولویت‌های ترجمه را در موضوعات مختلف و زبان‌های مختلف مثلاً در ادبیات، فلسفه، و سینما را مشخص نماییم و بعد بگوییم باید به زبان فارسی ترجمه شود و ما ترجمه می‌کنیم و بالعکس بگوییم که نیاز داریم در حوزه‌های فلان و فلان ترجمه بشود برای خارج از کشور به زبان‌های دیگر و ما ترجمه آن را برعهده می‌گیریم. نهایتاً اگر این خلأ باشد، این فکر شده که چنین کاری انجام شود، اما این طور نیست که در شروع بگوییم شورای عالی ترجمه هستیم و شروع کنیم به ترجمه. در واقع با برنامه‌هایی که طراحی شده و پیگیرش هستیم، نظام‌مندی و ساماندهی و ارتقای وضعیت ترجمه را برعهده گرفته‌ایم. بدون آنکه مستقیم درگیر ترجمه شویم، می‌خواهیم مسیر ترجمه را هدایت کنیم. در واقع سیاست‌گذاری ترجمه را می‌خواهیم برعهده بگیریم ولی با این تبصره که با خود اهل ترجمه هماهنگی و ارتباط دائمی برقرار کنیم. یعنی این طور نیست که ما با ذهنیت خودمان بخواهیم از بایدها و نبایدها، و هست‌ها و نیست‌ها بگوییم. در واقع بخشی از کار شورا این است که با دست‌اندرکاران، مترجمان، بنگاه‌ها، مسئولان، و کسانی که به نوعی درگیر بحث ترجمه‌اند ارتباط دائمی داشته باشد. نظرسنجی‌ها و مخاطب‌شناسی‌ها انجام شود. و نیازها و کمبودها، امکانات و توانایی‌ها شناسایی شود، چون ترجمه به طور کلی کار جمعی است. مشکلی که ما در ایران و در حوزه ترجمه داریم این است که نتوانسته‌ایم کارگروهی و کار شبکه‌ای را تجربه کنیم. امیدواریم و داریم تلاش می‌کنیم که این اتفاق در حوزه ترجمه بیفتد، یعنی با ارتباط دائمی با کسانی که در حوزه ترجمه فعال‌اند بتوانیم اهدافی را که مورد نظر همه است و

همه می‌گویند ترجمه باید از این وضع خارج شود محقق کنیم.

چه راهکارهایی برای تحقق این هدف در پیش گرفته‌اید؟

بعضی از برنامه‌هایی که شورای عالی ترجمه قرار است انجام دهد، در واقع وظایف و برنامه‌هایی که شورا دارد روی آن کار می‌کند به قرار زیر است:

۱. شناسایی، معرفی، و ارائه آثار ارزشمند و فاخر داخلی و خارجی جهت ترجمه از زبان فارسی به زبان‌های دیگر و بالعکس. باز هم نه به این معنا که شورای عالی ترجمه بخواهد آن‌ها را ترجمه کند. هدف شناسایی است. ما کسانی را داریم که مراجعه می‌کنند و می‌گویند در این آشفته‌بازار ما چه آثاری را ترجمه کنیم، چه اولویت‌هایی هست. ما می‌خواهیم در این قسمت جوابگوی این بخش باشیم. در واقع آثار مختلف توسط بنگاه ترجمه یا مترجم ترجمه می‌شود، چه از زبان‌های دیگر به فارسی و چه از فارسی به زبان‌های دیگر و در این میان ما بتوانیم یک‌سری option به او بدهیم.

۲. تهیه مقدمات لازم برای نشر مطلوب و فراگیر آثار ترجمه و مورد حمایت در داخل و خارج. مترجم کتابی را ترجمه می‌کند و چاپ هم می‌شود، اما چون در شبکه توزیع مشکل داریم، موفق به توزیع نمی‌شود. بحث‌هایی هست که با کتابخانه ملی، کتابخانه‌های سراسر کشور در توزیع انتشارات همکاری نزدیکی داشته باشیم. بعضی از کتاب‌ها به طور خاص برای خارج از کشور تهیه

شده ولی عرضه آن در خارج از کشور با مشکلاتی همراه است. با ریزنی‌های فرهنگی ما با انتشارات خارج از کشور و شعبه‌های خارجی انتشارات داخلی و مراکزی امید است بتوانیم با آن‌ها هماهنگی و تبادل فرهنگی کنیم و می‌خواهیم عرضه‌کننده محصولات فرهنگی ما باشند.



۳. تشکیل کتابخانه و بانک اطلاعاتی مورد نیاز در خصوص ترجمه

۴. حمایت از مترجمان و ناشران و مؤسسات علمی و فرهنگی ای که در حوزه ترجمه فعال‌اند. در این مورد هم هیچ محدودیتی نداریم. از عنوان‌یابی، مترجم، مسائل فنی، توزیع و در نهایت آن چیزهایی را که لازم دارند حمایت می‌کنیم.

۵. نیازسنجی از دیگر راهکارهای شورای ترجمه است. فکرمی‌کنم نیازسنجی خیلی مهم است. چون نیازسنجی و مخاطب‌سنجی در کار ترجمه علمی و استاندارد نبوده، چه در داخل و چه در خارج از کشور. می‌بینیم در یک حوزه زبانی یا زبان خاص مثل انگلیسی، فرانسه و آلمانی و فور ترجمه داریم، آن هم در یک بخش و مقطعش. در واقع به مانند جزایر جدا از هم و افراد و مراکز جدا از هم تصمیم‌گیری‌ها را انجام می‌دهند. زبان‌هایی مثل چینی، اسپانیایی، امریکای لاتین و جنوبی، زبان‌های آسیای میانه، و روسی هست که به نحوی زبان اول یا دومی محسوب می‌شوند. با نیازسنجی و شناسایی مخاطب می‌توان مشخص کرد که چه آثاری باید به آن زبان‌ها ترجمه و چه آثاری باید از آن زبان‌ها برگردانده شود. به نظر ما این کار خیلی مهم است. باید در یک جایی، یک روزی، به صورت مشخص و آکادمیک بر روی آن کارشود. کمابینکه اگر دقت بفرمایید به این سمت دارد می‌رود. بعضی از سفارتخانه‌ها و کشورهای خارجی دارند از طریق بخش‌های فرهنگی‌شان این کار را انجام می‌دهند.

۶. سیاست‌های تشویقی داریم برای مؤسسات فرهنگی و علمی داخلی و خارجی که در حوزه انتخاب آثار برگزیده ایرانی به زبان خارجی فعالیت می‌کنند. تشویق‌ها اعم از مالی و معنوی است که اگر بتوانیم آن را هم فراهم کنیم، مراکز فعال ما در ترجمه به سراغ ترجمه آثار فاخر ایرانی هم بروند.

۷. یکی از مشکلاتی که در واقع در حوزه ترجمه داریم تدوین استانداردهای علمی ترجمه است. فکرمی‌کنم این خواسته و درد دل خیلی از مترجمان هم هست که ما باید حداقل‌ها و بایدهایی را در حوزه ترجمه داشته باشیم و در تمام دنیا هم این چنین است. همین نکته در تألیف کتاب دارد انجام می‌گیرد. یعنی در واقع یک کتاب چه به لحاظ فرمت صوری و چه محتوایی استانداردهای حداقلی دارد. من فکر می‌کنم کمک خوبی است اگر در ترجمه برای کودکان، یا مخاطبان عام یا افراد دانشگاهی و نخبگان بدانیم ترجمه باید چگونه باشد و اصول کلی داشته باشیم.

گفتگو با رئیس شورای عالی ترجمه ۱۵۹

مثلاً یک کتاب ترجمه شده مستقیم می‌رود سراغ متن و هیچ توضیحی راجع به مؤلف، درباره سطح و نوع ترجمه مترجم، و یا سبک مؤلف و یا معادل کلمات و اصطلاحات کلیدی در ترجمه به دست نمی‌دهد. یا حتی وقتی اثری تجدید چاپ می‌شود، ضرورت‌ها و بایدها و تغییرهایی که در این نسخه اتفاق افتاده لحاظ نمی‌شود. اگر بتوانیم این‌ها را مدون کنیم کمک خواهد کرد که ترجمه و مترجم کاری حرفه‌ای‌تر و در واقع قابل قبول‌تر باشد.

۸. نکته دیگر ارزشیابی و نظارت بر حوزه معنایی ترجمه است؛ نه اینکه بخواهد ورود و خروج و یا مانعی برای ترجمه آثار یا انتشار آثار باشد. بلکه در واقع ما می‌خواهیم یک حالت رقابت طبیعی از طریق جلسات نقد ترجمه یا کارگاه‌های تخصصی ترجمه و با تدوین استانداردهای ترجمه، نوعی نظارت و ارزشیابی جنبی در خصوص آثار ترجمه شده داشته باشیم. همین باعث می‌شود کسی که می‌خواهد دست به کار ترجمه بزند متوجه شود که حساسیت‌های خاصی هست. این نوع ارزشیابی و نظارت خیلی کمک می‌کند تا کیفیت ترجمه بهتر شود.

۹. همکاری با نهادهای فعال در حوزه ترجمه از دیگر برنامه‌های این شورا است.

۱۰. برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی ترجمه در داخل و خارج از کشور نیز از دیگر راهکارهای شورا است.

۱۱. حمایت از ترجمه و چاپ آثاری که به تشخیص شورا در اولویت ترجمه و چاپ قرار دارند، چه به زبان فارسی و چه به زبان‌های دیگر. اگر نیاز باشد خود شورا مشخصاً متولی می‌شود و مستقیماً نسبت به چاپ و ترجمه آن‌ها اقدام می‌کند.

۱۲. بحث دیگری که به طور جدی به دنبال آن هستیم، بحث پشتیبانی online است. تهیه وبسایت تخصصی شورای عالی ترجمه در دست اجراست. در این وبسایت علاوه بر اطلاعات عمومی و اطلاع‌رسانی، قصد داریم data base داشته باشیم تا مترجمان ما اگر خواستند جستجوی کنند و وضعیت ترجمه را بدانند که چه اتفاقی از گذشته و حال در زبان‌های مختلف و زبان‌های داخلی و خارجی افتاده بتوانند سرویس بگیرند.^۲

۱۳. برگزاری دوره‌های تخصصی ترجمه برای هر یک از زبان‌ها و از دید آن زبان. به خصوص بحث جهانی نمودن زبان فارسی هست و بحث تخصصی آن و قابلیت‌هایی که باید در زبان فارسی

۲- طرح اولیه این سایت به آدرس www.ir.hcot.ir دیر شده است.

لحاظ شود تا به متن ترجمه شده به زبان مقصد کمک می کند.

در مورد راهکار اول، منظور این است که در شورای ترجمه یک بانک اطلاعاتی باشد که بشود به آن مراجعه کرد؟

بله، و در نهایت اگر دیدیم آثار فاخر روی زمین مانده، مثلاً اگر فلان اثر در زبان ایتالیایی مطرح است و مترجمی پیدا نشود که بخواهد آن را ترجمه کند یا ناشری آن را چاپ نکند، و مقدمات و زمینه‌ای برای اقدام ندارد، ما با بحث‌های کارشناسی‌ای که در هیئت ترجمه و هیئت علمی شورا انجام می‌دهیم آن را در اولویت ترجمه قرار می‌دهیم و از آن حمایت مالی می‌کنیم. یک جنبه ایده‌آل هم در نظر است و آن اینکه اگر به هر دلیلی مترجم ما یا بنگاه ترجمه یا ناشر ما نخواهد ترجمه کند، اثری که باید ترجمه شود بدون مترجم نماند.

کتابخانه‌ای که در راهکار سوم به آن اشاره فرمودید دیجیتالی است؟

بخشی از آن یقیناً، چون حق ترجمه و حق تألیف هم بالاخره مطرح است و هنوز در ایران مشکلاتی داریم. سعی می‌کنیم این امکان را فراهم کنیم تا در آن حدی که می‌شود بخش کتابخانه دیجیتالی هم داشته باشیم. همین الان یک سری آثار دیجیتالی آمده و مراکز دزدان این آثار را به صورت دیجیتالی آن‌لاین می‌کنند. می‌توانیم با آن‌ها هماهنگی کنیم و مترجمان و مؤلفانی که در خارج از کشور نمی‌خواهند همه آثارشان دیجیتالی و آن‌لاین باشد، بخشی یا گزیده‌ای از آن را آن‌لاین می‌کنند. این خیلی کمک می‌کند، هم به حوزه ترجمه ما و هم به حوزه تألیف. یعنی کسی که مخاطب است با آن اطلاعاتی که دیجیتالی به دست می‌آورد برود اصل منبع را تهیه کند و هم از اینکه از حیث اطلاع‌رسانی ارتباطی برقرار شده و بخشی از نیاز مخاطبان در واقع از حیث گزیده تألیف و ترجمه تأمین می‌شود.

اجازه بدهید وارد جزئیات بشویم. در راهکار چهارم، "حمایت" واژه خیلی کلی‌ای است.

یعنی چگونه؟

من فکر می‌کنم همین کلی بودنش خیلی کمک می‌کند. ببینید ما در حوزه ترجمه مشکلات متعددی داریم. الان مترجمان ما، بگذارید مشخص کنم. مترجمان جوان ما می‌گویند ما چه نوع

گفتگو با رئیس شورای عالی ترجمه | ۱۶۱

اثری را ترجمه کنیم. و اگر ترجمه کردیم شما ویراستار به ما می‌دهید و اگر ویراستار بود، انتشارات با ما همکاری می‌کند، و اگر انتشاراتی با ما همکاری کرد، شما هزینه‌ها را متقبل می‌شوید؟ و اگر هزینه‌ها را تا حدی را متقبل شدید، توزیع را چه کنیم؟ یقیناً این چیز ایده‌آلی است که ما بتوانیم همه این امور یا بخشی از آن را به نحوی بتوانیم تأمین کنیم. خودمان را محدود نکرده‌ایم، با اینکه امکاناتمان محدود است، تواناییمان محدود است ولی زمینه‌ها بکر است. فکر می‌کنیم همه این موارد باید مورد توجه قرار گیرد. آن هدفی که داریم که در واقع ارتقای سطح ترجمه است، از این جهت که اینجا شورای عالی ترجمه است و بالاخره مرکزی باید متولی این کارها بشود، سعی مان بر این است تا آن حدی که امکان دارد این حمایت‌ها صورت گیرد. حالا امیدوارم جواب داده باشم.

تا حدی بلی. اجازه بدهید فرض کنیم مترجم جوانی به شما مراجعه می‌کند. آیا شما متنی را در اختیارش قرار می‌دهید که ترجمه کند و بعد آن را چاپ می‌کنید یا راهکارهای ارزیابی هم در نظر گرفته‌اید؟

یقیناً در نظر گرفته‌ایم. ما نمی‌خواهیم مشکلاتی را بر مشکلات ترجمه اضافه کنیم. یقیناً این ملاحظات که چه کسی با چه زمینه‌ای و چه توانایی‌هایی می‌خواهد ترجمه کند لحاظ می‌شود. اگر خودمان متولی‌اش باشیم، حین ترجمه و بعد از ترجمه بر کار مترجم نظارت می‌شود تا در نهایت آن چیزی که ترجمه می‌شود مطلوب و قابل قبول باشد. این‌ها یقیناً بررسی خواهد شد، بسته به خود موضوع، زبانش و اهمیتی که خود ترجمه و متن پیدا می‌کند، ما یک گروه کاری برای آن در نظر می‌گیریم که بتواند این نظارت را انجام دهد.

یعنی شما اعضای هیئت علمی‌ای دارید که می‌توانند بر کار ترجمه نظارت کنند؟ آیا این اعضا مشخص‌اند؟

اجازه بدهید الان که در ابتدای کاریم و کارهای اولیه را داریم انجام می‌دهیم صحبتی در این باره نکنم. البته بخشی از هیئت ترجمه و هیئت علمی‌مان تعیین شده است. و در آینده اعلام خواهد شد. بسته به خود متن و اولویت‌هایش کار کارشناسی علمی و ترجمه‌ای روی آن انجام خواهد شد. در واقع، با هماهنگی‌ای که با هیئت علمی و هیئت ترجمه خواهیم داشت، آن‌ها تعیین می‌کنند

ترجمه چگونه کارشناسی شود.

معمولاً تفاعل مجامع علمی و آکادمیک و دانشگاه‌ها به اعضای هیئت علمی و فعالیت‌های آنان است و رتوس فعالیت‌ها به نام ذکر می‌شود!

یک کار تحقیقی انجام داده‌ایم و اولویت‌بندی‌ها را تعیین کرده‌ایم و تا تعیین ده زبان برجسته دنیا به تأیید مراکز علمی مثل یونسکو پیش رفته‌ایم. در مرحله بعدی تعیین بیست زبان برجسته مورد نظر است. در ۱۰ زبان اول ۸ عضو هیئت ترجمه انتخاب شده‌اند. از جمله عربی که با ملاحظاتی در واقع نیاز ترجمه‌های داخل است. دقیقاً این طور نیست که چون یونسکو اعلام کرده همان را بپذیریم. هم نیازهای داخلی باید سنجیده شود و هم اتفاقی که از حیث زبانی در دنیا می‌فتد. ۸ نفر عضو هیئت ترجمه فعلی ما هستند.^۳

تمام وقت‌اند یا نیمه وقت؟

نیمه وقت هستند و جزو اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هایند که با ما هم همکاری می‌کنند. در واقع استخدام ما نیستند، بنا به نیاز با ما همکاری می‌کنند.

بعضی مشکلاتی که فرمودید مشکلاتی است که همین الان وزارت ارشاد با آن درگیر است. مثلاً مسئله توزیع یا مسائلی که در حوزه نشر وجود دارد. به نظر می‌آید شورای ترجمه باید حامی و ضامن اجرایی‌ای داشته باشد که بتواند این موانع را رفع کند. ظاهراً شورای ترجمه وابسته به خانه کتاب است. دقیقاً چه سازمان‌هایی از شورای عالی ترجمه حمایت می‌کنند؟

همان طور که گفتید در بخشی از مشکلات کتاب، ترجمه هم به نحوی درگیر است. به طور مشخص متولی اصلی و رسمی در کشور وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و طبیعتاً تمامی برنامه‌ها با هماهنگی‌های اولیه با آن صورت خواهد گرفت و می‌دوریم این وزارت از برنامه‌ها حمایت کند. علاوه بر آن با مراکزی هم که عرض کردم رایزنی‌هایی صورت خواهد گرفت و در مرحله بعد مراکزی هم در کشورهای دیگر در دست شناسایی است تا بتوانیم با آن‌ها همکاری

۳- پس از انجام این مصاحبه در کتاب هفته ش ۱۱۱، ۲۴ آذر ۱۳۸۶ اعضای هیئت علمی علی‌کبر شعری - مشاور فرهنگی رئیس جمهور، حمید مولانا، مهدی محقق، و جويا جهانبخش؛ و اعضای هیئت ترجمه فریده دماغی، نجمه شبیری، مکرری، رفیع رفیعی، و منوچهر اکبری معرفی شده‌اند.

گفتگو با رئیس شورای عالی ترجمه ۱۶۳

کنیم و توزیع این آثار را انجام دهند. همین طور در داخل با کتابخانه‌ها و مراکز انتشاراتی و مراکزی که فعال‌اند سعی می‌کنیم ارتباطی را از حیث سیستم رسمی و دولتی خودمان داشته باشیم و اگر جوابگو بود که چه بهتر، اما خودمان را محدود به آن نکرده‌ایم و اگر چیزی فراتر از این نیاز داشت با آن هم بتوانیم مشکل را حل کنیم. از امکانات بخش دولتی و غیردولتی داخلی و خارجی برای ساماندهی وضعیت ترجمه استفاده خواهیم کرد.

آیا شورای عالی ترجمه قصد دارد با جامعه ترجمه و پیش‌گسوتان این حوزه هم ارتباط برقرار کند؟

یقیناً باید این اتفاق بیفتد. این ارتباط را شروع هم کرده‌ایم. در واقع با توجه به مشکلات و حساسیت‌هایی که هست ما از همکاری مراکزی که به نحوی دارند کار ترجمه را انجام می‌دهند، مراکز دولتی و نیمه‌دولتی و طبیعتاً در مرحله سوم بخش‌های خصوصی‌ای که دارند این کار را انجام می‌دهند استقبال می‌کنیم و جزو برنامه‌هاست. ولی با توجه به زمان کوتاهی که از عمر شورای عالی ترجمه می‌گذرد هنوز این امکان به طور کامل فراهم نشده، ولی استقبال می‌کنیم و خودمان پیگیر آن هستیم که ارتباط، همکاری و همفکری با همه فعالان و علاقمندان برقرار شود و آماده دریافت نظرات کارشناسی و پیشنهادات تک‌تک مترجمین محترم و فعالان حوزه ترجمه هستیم.

یکی از مشکلات مهم ترجمه ضعف در سیستم آموزشی است. هر ساله افراد بسیاری از دانشگاه‌های مختلف کشور در زبان‌های مختلف فارغ‌التحصیل می‌شوند ولی در عمل مترجم بار نمی‌آیند. فکر نمی‌کنید در مورد راهکار هفته، به طور زیربنایی این استانداردها باید در مراکز آموزشی و دانشگاهی باشد؟ آیا شورای عالی ترجمه هم همچون فرهنگستان قصد دارد تنها به وضع یکی سری استانداردها بسنده کند؟

سعی می‌کنیم به سوی این فضا حرکت کنیم. ما اگر زمینه را فراهم کنیم و به طرف این فضا حرکت کنیم این آمادگی فراهم می‌شود که این استانداردها را بپذیرند. در مرحله اول نمی‌توانیم توقع داشته باشیم کاری که نشده و استانداردهایی که هنوز معلوم نیست و توافق کلی هم در مورد آنها وجود ندارد، مورد پذیرش مراکز دانشگاهی و علمی قرار گیرد. اول باید استانداردهای حداقلی را مشخص کنیم. فکر می‌کنم کاری که کاربردی‌تر باشد این است که در واقع کلاس‌هایی در

حوزه فن عمومی و تخصصی ترجمه زبان‌ها داشته باشیم. در واقع تدوین استانداردها در کنار این کلاس‌های تخصصی فضا را آماده می‌کند و آن اتفاقی که در حوزه عمومی تر و دانشگاهی باید بیفتد محقق می‌شود.

در مورد راهکار هشتم، این حساسیت در مورد آثاری است که خودتان انتخاب کرده‌اید و به نوعی بانی آن بوده‌اید یا شامل تمام آثار می‌شود؟ مثلاً اینکه وزارت ارشاد تمامی آثار ترجمه شده را برای شما بفرستد و بعد از ارزیابی شما مجوز چاپ صادر شود؟

به این صورت اصلاً قرار نیست عمل شود. ممکن است در آینده چنین شود. ما قصد داریم به صورت یک روند دموکراتیک و در واقع در کلاس‌ها بحث‌های کارشناسی و گروه‌های تخصصی داشته باشیم، که به نحوی در فصل‌نامه مترجم هم دارد انجام می‌شود. کارگروه‌ها و بحث‌هایی در خصوص کیفیت ترجمه در کلاس‌ها کمک می‌کند کسانی که در حوزه ترجمه کار می‌کنند متوجه باشند کسانی ناظر بر این ترجمه‌اند و با حساسیت بیشتری نسبت به ترجمه آثار اقدام کنند.

در مورد راهکار دهم، شاید برگزاری همایش‌های تخصصی داخلی و بین‌المللی نیز راهگشا باشد.

بله. همین طور است. نکته دیگری که هنوز در ایران راه‌اندازی نشده این است که بتوانیم رابطه دوسویه‌ای با مراکز فعال و منطقه‌ای برقرار کنیم برای ترجمه دوسویه آثار. آثاری را که ما ترجمه کرده‌ایم آن‌ها عرضه کنند و از آن طرف هم ما بتوانیم چنین کاری را برای آن‌ها انجام دهیم.

حل مشکل هم‌زمانی ترجمه را هم از طریق همین وبگاه دنبال خواهید کرد؟

در حال راه‌اندازی بخشی هستیم که با هماهنگی‌هایی که با مراکز می‌شود و از طرفی خود مترجمان با مراجعه به وبسایت، ترجمه‌ای را که در دست دارند و تاریخ تقریبی اتمام آن را اعلام کند. فکر می‌کنم این خیلی کمک می‌کند. ما با ارتباطی که با مترجمان داشتیم و صحبت‌هایی که می‌کردیم، از ترجمه‌های هم‌زمان می‌نالیدند، به خصوص در حوزه فلسفی و ادبی و همین‌طور در حوزه‌های مذهبی و دینی، به طوری که اگر مترجمان اولی، دومی، و سومی می‌دانستند یا ترجمه نمی‌کردند یا ملاحظات دیگری را لحاظ می‌کردند.

فکر نمی‌کنید چنین اعلانی در وبسایت موجب سوءاستفاده‌هایی هم بشود؟ اینکه مترجمی صاحب نام با اعلام نام اثر خود و تاریخ پایان ترجمه آن خود را لوداده و افراد سودجو می‌توانند همان اثر را زودتر از موعد وی به چاپ برسانند؟ یا اینکه اطلاعاتی به غلط و کذب درج شود؟

فکر می‌کنم به بلوغ نسبی در حوزه ترجمه رسیده‌ایم و باید مسئولیت‌پذیر باشیم. اگر اطلاع‌رسانی باشد، درصدی ممکن است از آن سوءاستفاده غیراخلاقی و غیرحرفه‌ای کنند، اما فکر می‌کنم چیزی بالای نود درصد با هماهنگی با مترجم یا ناشر آن اقدام خواهند کرد و بخشی از مشکلات ترجمه هم‌زمان منتفی خواهد شد.

آقای دکتر اسدی، بحث اقتصاد است، به خصوص در اقتصاد معیوب نشر و در جامعه‌ای که کتاب‌خوان نیست. اولین اثری که روی پیشخوان کتاب‌فروشی قرارگیرد شانس فروش بیشتری دارد. به نظر می‌آید راهکارها باید محکم‌تر باشد.

ببینید این اتفاق دارد می‌افتد. به طور عادی آن‌ها که اهل ترجمه‌اند از طریق کانال‌های خودشان می‌دانند. بنابراین این طور نیست که وبسایت ما به این مسئله دامن بزند. ما نمی‌خواهیم به طور جدی باید و نباید کنیم. شورا یک جنبه حمایتی دارد. با روند دموکراتیک و آکادمیک می‌خواهیم پیش برویم. این شیوه خیلی هم رایج است. حالا ممکن است معضلات ایرانی بودن این شیوه دامن‌گیر شود. در خارج از کشور این کار دارد انجام می‌شود. مراکز علمی مثلاً می‌گویند ما می‌خواهیم آثار مولوی را ترجمه کنیم و هیچ اشکالی هم به وجود نمی‌آید و بازارش هم داغ است. در واقع فکر می‌کنم رقابت عالمانه‌تری اتفاق بیفتد. اگر اعلام کذب باشد که من کار خودم را کرده‌ام و اثرم چاپ می‌شود. هم من حواسم جمع می‌شود که کارم را عالمانه‌تر و آکادمیک‌تر انجام دهم و هم دیگران. در ترجمه این طور نیست که یک نفر ترجمه را انجام دهد و ترجمه به وی ختم شود. ممکن است ترجمه دیگری با حساسیت‌ها و نگرش دیگری ترجمه شود.

تعریف شما از ترجمه و مترجم چیست؟

معنا و دلالت الفاظ عموماً در بحث‌های فلسفی و منطقی مطرح است و از مباحث اصولی در بحث‌های حوزوی ماست. تعریف‌ها علاوه بر اینکه کمک می‌کند ممکن است ددرساز هم

باشد. هم چراغ است و هم رهزن. اینکه درباره ترجمه جمله یا عبارتی گفته شود سخت است. ولی چون ناگزیریم تعریفی داشته باشیم تعریف شخصی من این است که بازآفرینی یک متن با دغدغه‌های ایجاد ارتباط با فهم مخاطب و رعایت بار معنایی، ارزشی، و احساسی متن در زبان مبدأ و مقصد، و مترجم کسی است که با توانایی که خودش دارد بتواند پاسخگوی این جنبه‌های ترجمه باشد.

آقای دکتر اسدی، از وقتی که در اختیار مجله مترجم گذاشتید سپاسگزاریم و موفق باشید.

تشکر از حضور شما و مصاحبه‌ای که داشتید و اطلاع‌رسانی‌ای که می‌کنید. من هم برای شما آرزوی موفقیت می‌کنم.

خلاصه سوابق علمی و کاری دکتر مجید اسدی، رئیس محترم شورای عالی ترجمه به شرح زیر است:
تحصیلات دانشگاهی: دکترای مطالعات اسلامی، از آمریکا
تحصیلات حوزوی: درس خارج فقه و اصول
فعالیت‌های علمی:

- ترجمه: نسبت دین و دنیای جدید، تألیف هابرماس (از انگلیسی); رساله عدالت تألیف شیخ انصاری (از عربی)

- تألیف: سیاست، حکومت و ولایت در اندیشه موم خمینی رد (به فارسی)، مفهوم عدالت (به فارسی)، زبان و زبان ترجمه (به فارسی)، مقدمه‌ای بر عرفان اسلامی (به انگلیسی)، آیات عرفانی (به انگلیسی)، زبان فارسی زبانی مدرن و اخلاقی (به فارسی)

مسئولیت‌های اجرایی:

مدیر گروه فقه و حقوق در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، مدیر مطالعات اسلامی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، نماینده فرهنگی ایران در افریقای جنوبی و در آمریکا، رئیس شرکت چندرسانه‌ای و کامپیوتری وب‌فدکس (webfedx) در آمریکا، مدیر تولید فیلم مستند اسلام و غرب در آمریکا، مدیر تولید فیلم مستند اسلام دین جهانی در آمریکا، مدیر تولید فیلم مستند حج در آمریکا، رئیس انیستیتو اسلامی و فرهنگی "عصر" در آمریکا، رئیس شورای عالی ترجمه.